



# خاطره‌ی من از بابا

امیر عابدزاده

هشتم آذرماه ۱۳۷۶ روز ویژه‌ای بود. تیم‌ملی فوتبال ایران مقابل استرالیا. جنگِ قدرت برای صعود به جام‌جهانی فرانسه. تقابلِ بازیکنانی ایرانی با بازیکنانی استرالیایی که در بهترین باشگاه‌های جهان بازی می‌کردند. جو وحشتناک استادیومِ ملبورن. هیچ‌کس امیدی به ایران نداشت. حتی هیچ‌کس به معجزه هم باور نداشت. من، نگار و هامان مانده بودیم خانه تا بازی را ببینیم. بابا در دروازه‌ی ایران فیکس تیم‌ملی بود و حضورش قوتِ قلبی برای‌مان بود. برای مردمِ ایران بود. آداهس می‌جوید و سرحال بود. بازی که شروع شد، هراس به دلِ هر ایرانی افتاده بود. میزانِ حمله‌ی استرالیایی‌ها از حساب خارج شده بود. بابا چپ و راست توپ می‌گرفت.